

چکیده

محورهای پیاده شهری در سالهای اخیر به عنوان یکی از ابزارهای مهم بازآفرینی فضاهای عمومی مورد توجه برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته‌اند. با این حال، تجربه بهره‌برداری از بسیاری از این فضاها نشان می‌دهد تداوم سرزندگی و پویایی اقتصادی آن‌ها در بلندمدت با چالش‌هایی مواجه است و در برخی موارد وابستگی به منابع مدیریت شهری را به همراه دارد. این وضعیت ضرورت توجه به مفهوم «تاب‌آوری اقتصادی» را در مقیاس اقتصاد خرد و در سطح فضاهای عمومی پیاده‌محور برجسته می‌سازد.

در این میان، مفهوم «مکان سوم شهری» به عنوان بستری برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی داوطلبانه، روابط غیررسمی و تجربه جمعی شهروندان می‌تواند چارچوبی تحلیلی برای فهم پویایی‌های اجتماعی - اقتصادی فضاهای عمومی فراهم کند. با وجود این، پیوند مفهومی میان ویژگی‌های مکان سوم و ظرفیت‌های تاب‌آوری اقتصادی در مقیاس محورهای پیاده شهری در ادبیات پژوهش کمتر مورد بررسی قرار گرفته است.

پژوهش حاضر با هدف تبیین ظرفیت‌های مؤلفه‌های مکان سوم شهری در تقویت تاب‌آوری اقتصادی محورهای پیاده انجام شد. رویکرد پژوهش، تحلیلی - تبیینی و راهبردی آن، مطالعه موردی پیاده‌راه «سرزندگی» در منطقه ۲ شهرداری تهران است. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با پنل خبرگان گردآوری شده و سازوکارهای استخراج‌شده با بهره‌گیری از روش دلفی تعدیل‌شده مورد ارزیابی و اجماع خبرگانی قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌هایی همچون تسهیل تعاملات اجتماعی داوطلبانه، تقویت هویت جمعی، انعطاف‌پذیری عملکردی فضا و فعال‌سازی رویدادمحور، به عنوان ظرفیت‌هایی بالقوه در حمایت از پویایی فعالیت‌های خرد و تداوم نسبی تعاملات اقتصادی در محورهای پیاده شهری قابل تفسیر هستند.

بر این اساس، پژوهش با ارائه یک چارچوب مفهومی اولویت‌بندی‌شده، تلاش می‌کند سازوکارهای پیوند میان ویژگی‌های مکان سوم و ظرفیت‌های تاب‌آوری اقتصادی در مقیاس محورهای پیاده را تبیین کند. نتایج این پژوهش می‌تواند در هدایت فرایند برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت محورهای پیاده شهری، به‌ویژه در مرحله بهره‌برداری، به عنوان مبنایی تحلیلی برای تقویت پویایی اجتماعی - اقتصادی این فضاها مورد استفاده قرار گیرد.

* نویسنده مسئول: fahimeh.saberi6566@iau.ac.ir

کلمات کلیدی

بازآفرینی شهری
تاب‌آوری اقتصادی
سرزندگی فضای عمومی
محور پیاده شهری
مکان سوم شهری
منطقه ۲ تهران

از مسیر عبوری تا مکان سوم شهری: تبیین ظرفیت‌های مکان سوم در تقویت تاب‌آوری اقتصادی محورهای پیاده شهری (مطالعه موردی: پیاده‌راه سرزندگی، منطقه ۲ شهرداری تهران)

محمدحسین بوچانی^۱؛ مهدی صالحی^۲؛ آذین بهرام پوری^۳؛ فهیمه صابری^۴؛ مرضیه صمدی فروشانی^۲

۱. استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت، شهردار منطقه ۲ شهرداری تهران، ایران

۳. پژوهشگر دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴. استادیار گروه مهندسی صنایع، دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه ایوان کی، ایوان کی، ایران



COPYRIGHTS

©2025 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Boochani M.H. Salehi M. Bahrampouri A. Saberi F. Samadi-Foroushani M. From the passageway to urban third place: Explaining the capacities of third place in strengthening the economic resilience of urban sidewalk corridors (Case study: Sarزندگی Pedestrian pathway, District 2 of Tehran Municipality). *Urban Economics and Planning* 7(8):114-126.

DOI: [10.22034/uep.2026.575597.1841](https://doi.org/10.22034/uep.2026.575597.1841)

۱. مقدمه

فضاهای عمومی شهری به منزله بسترهای اصلی تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های اقتصادی خرد و تجربه زیسته شهروندان، جایگاهی محوری در ادبیات برنامه‌ریزی و طراحی شهری یافته‌اند؛ به گونه‌ای که کیفیت این فضاها نه تنها به جنبه‌های کالبدی، بلکه به امکان حضور، مکث و تعامل انسانی وابسته است (Golkar, 2018). در این میان، پیاده‌راه‌های شهری علاوه بر نقش کالبدی در ارتقای کیفیت حرکت پیاده، به عنوان زیرساخت‌هایی اجتماعی - اقتصادی در بازآفرینی حیات شهری مورد توجه قرار گرفته‌اند (Abdelfattah et al., 2021). توسعه این محورها در بسیاری از شهرهای معاصر عمدتاً در واکنش به چالش‌هایی همچون کاهش کیفیت فضاهای عمومی، آلودگی زیست‌محیطی و غلبه حرکت سواره شکل گرفته و به عنوان ابزاری برای ارتقای سرزندگی شهری و تقویت تعاملات اجتماعی مطرح شده است.

با وجود گسترش این مداخلات، تجربه اجرایی نشان می‌دهد بسیاری از محورهای پیاده، علی‌رغم برخورداری از کیفیت‌های کالبدی مناسب، در مرحله بهره‌برداری با افت سرزندگی و کاهش کارایی مواجه می‌شوند. این وضعیت اغلب در قالب کاهش حضور شهروندان، محدود شدن فعالیت‌های اجتماعی و دشواری در تأمین پایدار هزینه‌های نگهداشت فضا بروز می‌یابد. یکی از دلایل این مسئله را می‌توان در غلبه رویکردهای کالبدمحور در طراحی و مدیریت این فضاها دانست؛ رویکردی که بیش از آنکه به پویایی‌های اجتماعی و اقتصادی فضا توجه داشته باشد، بر کیفیت‌های فیزیکی و زیبایی‌شناختی تمرکز دارد. چنین نگرشی موجب شده ظرفیت‌های رفتاری و اقتصادی فضا در مواجهه با تغییرات اقتصادی یا نوسانات عملکردی شهر از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار نباشد و در نتیجه، بسیاری از این فضاها در بلندمدت وابسته به منابع مالی ناپایدار شهری باقی بمانند.

در این زمینه، مفهوم تاب‌آوری اقتصادی می‌تواند چارچوبی تحلیلی برای درک پایداری عملکردی این فضاها فراهم کند. در این مقاله، تاب‌آوری اقتصادی به عنوان توان فضا برای سازگاری با شوک‌های اقتصادی، حفظ فعالیت و کاهش وابستگی به منابع مالی بیرونی تعریف می‌شود (Wang et al., 2020) و در مقیاس تحلیل محورهای پیاده شهری، به صورت پایداری نسبی جریان‌های خرد اقتصادی، تنوع فعالیت‌های کوچک‌مقیاس و امکان استمرار حداقلی تعاملات اقتصادی - فضایی درک می‌شود. این برداشت، تاب‌آوری اقتصادی را نه در سطح کلان اقتصاد شهری، بلکه در سطح اقتصاد خرد فضاهای عمومی و تعاملات روزمره شهری مورد توجه قرار می‌دهد.

با وجود اهمیت این موضوع، بخش عمده‌ای از پژوهش‌های مرتبط با محورهای پیاده شهری بر ابعاد کالبدی، اجتماعی یا زیست‌محیطی تمرکز داشته‌اند و سازوکارهای اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر پایداری اقتصادی این فضاها کمتر به صورت نظام‌مند بررسی شده‌اند. در این میان، مفهوم «مکان سوم» می‌تواند چارچوبی تبیینی برای فهم پیوند میان تعاملات اجتماعی و پویایی اقتصادی فضاهای عمومی فراهم آورد (Oldenburg, 1999). مکان سوم به فضاهایی اشاره دارد که فراتر از محیط‌های رسمی کار و زندگی، بستر شکل‌گیری تعاملات غیررسمی، روابط اجتماعی پایدار و تجربه جمعی شهروندان هستند. چنین فضاهایی با ایجاد امکان حضور داوطلبانه، تعاملات روزمره و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی محلی، می‌توانند به تقویت تنوع فعالیت‌ها و پویایی‌های اقتصادی خرد در فضاهای عمومی کمک کنند.

در چارچوب این نگاه، محورهای پیاده شهری زمانی می‌توانند فراتر از یک مداخله کالبدی عمل کنند که در قالب شبکه‌ای پویا از فضاهای عمومی، فعالیت‌های شهری و تعاملات اجتماعی شکل بگیرند. اتصال عملکردی این محورها به فضاهای باز شهری، گره‌های فعالیت‌های و مکان‌های عمومی پیرامونی می‌تواند الگوهای متنوع حضور و مکث را طی زمان شکل دهد و از این طریق، پیاده‌راه را به بخشی از تجربه زیسته روزمره شهروندان تبدیل کند. چنین فرایندی ظرفیت‌هایی را برای شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی خرد، تنوع کاربری‌ها و پویایی عملکردی فضا فراهم می‌آورد.

مرور ادبیات نشان می‌دهد اگرچه مفهوم مکان سوم در تحلیل کیفیت‌های اجتماعی و تجربه‌محور فضاهای عمومی توسعه یافته و مفهوم تاب‌آوری اقتصادی نیز در مطالعات شهری مورد توجه قرار گرفته است، پیوند مفهومی و تحلیلی این دو حوزه در سطح اقتصاد خرد محورهای پیاده شهری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به‌ویژه، فقدان چارچوبی که بتواند کیفیت‌های تجربه‌محور مکان سوم را با سازوکارهای بالقوه پایداری اقتصادی خرد در فضاهای پیاده‌محور مرتبط سازد، به عنوان یکی از شکاف‌های قابل توجه در ادبیات پژوهش قابل تشخیص است.

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر تبیین ظرفیت‌های مکان سوم در تقویت بالقوه تاب‌آوری اقتصادی محورهای پیاده شهری در مقیاس اقتصاد خرد است. در امتداد این هدف، پرسش اصلی پژوهش آن است که کیفیت‌ها و مؤلفه‌های مکان سوم چگونه می‌توانند در سطح محورهای پیاده شهری به عنوان ظرفیت‌هایی برای تقویت بالقوه تاب‌آوری اقتصادی فهم شوند. برای بررسی تجربی این پرسش، محور پیاده «سرزندگی» در منطقه ۲ شهرداری تهران به عنوان بستر مطالعه موردی انتخاب شده است تا سازوکارهای مرتبط با شکل‌گیری ویژگی‌های مکان سوم، الگوهای تعامل اجتماعی و تداوم فعالیت‌های اقتصادی خرد در این فضا مورد تحلیل قرار گیرد.

۲. مبانی نظری

۲.۱. پیاده‌راه به مثابه فضای عمومی شهری

در دهه‌های اخیر، پیاده‌راه‌ها به عنوان یکی از مصادیق مهم فضاهای عمومی شهری، نقشی فزاینده در ارتقای کیفیت محیط، تسهیل تعاملات اجتماعی و شکل‌دهی به حیات اقتصادی روزمره ایفا کرده‌اند. تحقق این نقش بیش از آنکه فقط به جنبه‌های کالبدی وابسته باشد، به کیفیت‌هایی مرتبط است که امکان مکث، حضورپذیری و تجربه مثبت فضا را برای کاربران فراهم می‌کنند. از این منظر، کیفیت پیاده‌راه را می‌توان حاصل برهم‌کنش مؤلفه‌های کالبدی، ادراکی و اجتماعی دانست؛ برهم‌کنشی که ظرفیت آن را دارد تا حضور مستمر، تعاملات روزمره و شکل‌گیری تجربه‌های جمعی را پشتیبانی کند (Sheikhi & Rezaei, 2017).

در چنین چارچوبی، برخی پیاده‌راه‌ها در مقیاس خرد واجد ویژگی‌هایی می‌شوند که آن‌ها را به فضاهایی زنده، دوست‌داشتنی و ترجیح‌داده‌شده در تجربه روزمره شهروندان تبدیل می‌کند. ویلیام وایت اشاره می‌کند که در شهرها فضاهای کوچکی وجود دارند که مردم به طبع آن‌ها را برمی‌گزینند؛ فضاهایی که به دلیل کیفیت‌های محیطی و اجتماعی خود، تجربه‌ای مثبت و به‌یادماندنی ایجاد می‌کنند. او در کتاب زندگی اجتماعی در فضاهای شهری کوچک نشان می‌دهد این فضاهای خرد چگونه می‌توانند بستر تعامل و حضورپذیری خودجوش باشند (Whyte, 1980).

از این منظر، پیاده‌راه زمانی می‌تواند به عنوان یک فضای عمومی موفق عمل کند که بخشی از کیفیت‌های شاخص فضاهای شهری کوچک را در خود بازتاب دهد؛ کیفیت‌هایی که زمینه را برای حضور، تعامل و ماندگاری کاربران فراهم می‌سازند. بی‌توجهی به هر یک از این ابعاد ممکن است ظرفیت فضا برای حفظ سرزندگی و تداوم عملکرد اجتماعی را کاهش دهد.

۲.۲. تاب‌آوری اقتصادی در فضاهای عمومی شهری

توسعه اقتصادی شهر، هرچند متأثر از تحولات کلان ملی و بین‌المللی است، در مقیاس محلی بیش از هر چیز بر ظرفیت‌های درون‌زا و سازوکارهای فضایی - اجتماعی متکی است (Nejad Ebrahimi et al., 2025). در این چارچوب، تاب‌آوری اقتصادی در مقیاس شهری به توان فضاهای شهری برای پشتیبانی از تداوم فعالیت‌های اقتصادی، سازگاری نسبی با نوسانات و کاهش اتکا به منابع بیرونی اشاره دارد. ادبیات پژوهش نشان می‌دهد فضاهای عمومی شهری، به‌ویژه پیاده‌راه‌ها، به عنوان یکی از بسترهای مهم اقتصاد خرد شهری، پتانسیل آن را دارند که زمینه‌های مساعد برای شکل‌گیری الگوهای اقتصادی انعطاف‌پذیر در سطح محلات فراهم کنند.

فضاهای پیاده‌محور علاوه بر نقش کالبدی خود، با فراهم کردن موقعیت‌های تجربه‌پذیر، تعامل‌محور و قابل دسترسی، می‌توانند کیفیت زندگی شهری و الگوهای رفتار اجتماعی را تحت‌تأثیر قرار دهند (Kanooni et al., 2016). بر این اساس، پیاده‌راه‌ها و فضاهای عمومی مشابه، از طریق تنوع کارکردی، حضورپذیری کاربران و سطوح مختلف سرزندگی اجتماعی، ظرفیت شکل‌دهی جریان‌های اقتصادی کم‌ریسک و انعطاف‌پذیر را دارند؛ جریان‌هایی که بیشتر بر مشارکت اجتماعی، حضور مستمر و کنش‌های روزمره کاربران استوار هستند تا بر مداخلات صرفاً کالبدی.

در چنین نگاهی، پایداری و تاب‌آوری اقتصادی فضاهای عمومی نه فقط نتیجه وضعیت کالبدی، بلکه متأثر از الگوهای استفاده، رفتار کاربران، فعالیت‌های خرد اقتصادی و تعاملات اجتماعی است. این عوامل، در کنار یکدیگر، می‌توانند ظرفیت فضا را برای حفظ پویایی و جلوگیری از رکود اقتصادی در بلندمدت تقویت کنند، بی‌آنکه رابطه‌ای علی و قطعی میان آن‌ها فرض شود.

۳.۲. جایگاه تاب‌آوری اقتصادی در بازآفرینی محورهای پیاده شهری

بازآفرینی از رویکردهای کلیدی در توسعه نواحی شهری به شمار می‌رود و با اتکای بر اصول توسعه پایدار، پتانسیل ارتقای ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی شهرها را دارد. طرح‌های بازآفرینی، به‌ویژه در مقیاس فضاهای عمومی، با هدف بهبود کیفیت محیط و ارتقای تجربه زیست شهری، تغییراتی ساختاری در نحوه استفاده، تصور و عملکرد فضاهای شهری ایجاد کرده‌اند (Arzamani et al., 2020). در این میان، فضاهای عمومی پیاده‌محور به دلیل ماهیت تعاملی و مقیاس انسانی خود، ظرفیت بالایی برای بهبود کیفیت فضای شهری و تقویت جریان‌های خلاق شهری دارند. با این حال، یکی از چالش‌های اصلی در بازآفرینی محورهای پیاده،

نه ایجاد فضاهای جدید، بلکه تضمین تداوم عملکرد اقتصادی - اجتماعی آن‌ها در گذر زمان است. تجربه پروژه‌های متعدد پیاده‌راه‌سازی در شهرهای مختلف نشان می‌دهد پایداری این فضاها معمولاً به مجموعه‌ای از عوامل زمینه‌ای وابسته است؛ عواملی مانند حضور مستمر کاربران، فعالیت‌های خرد اقتصادی، سازوکارهای مدیریت محلی و ظرفیت سازگاری فضا با تغییرات محیطی و اجتماعی. از این منظر، تقویت تاب‌آوری اقتصادی می‌تواند یکی از مؤلفه‌های مهم در افزایش امکان تداوم کارکردی چنین فضاهایی تلقی شود.

به این ترتیب، تاب‌آوری اقتصادی در چارچوب بازآفرینی نه به معنای خلق رابطه‌ای علی با موفقیت پروژه، بلکه به عنوان ظرفیتی زمینه‌ساز در جهت حمایت از پایداری و پویایی محورهای پیاده مطرح می‌شود؛ ظرفیتی که می‌تواند شرایط مساعدتری برای حفظ فعالیت‌ها، کاهش بروز رکود و ارتقای سرزندگی در بلندمدت فراهم سازد.

۴.۲. مفهوم مکان سوم و ویژگی‌های فضایی - اجتماعی آن

مکان سوم به عنوان یکی از نهادهای کلیدی حوزه عمومی، مفهومی است که اولدنبرگ آن را به مثابه فضایی میان خانه و محل کار معرفی می‌کند؛ فضایی که افراد در آن امکان حضور مستمر، تعاملات غیررسمی و ارتباط‌گیری با دوستان، آشنایان یا حتی غریبه‌ها را دارند (Oldenburg, 1999). این نوع فضاها عرصه جاری شدن زندگی غیررسمی در برابر نظم رسمی روزمره تلقی می‌شوند (Modiri & Davoodi, 2017) و از این جهت، در شکل‌دهی به حیات اجتماعی شهر نقش مهمی دارند.

در ادبیات فضاهای عمومی، مکان‌های سوم با تقویت پیوندهای اجتماعی، ایجاد فرصت‌های ارتباطی پایدار، شکل‌گیری حس تعلق و ارتقای سرزندگی شهری شناخته می‌شوند. از منظر برنامه‌ریزی شهری، مکان سوم پدیده‌ای چندبعدی و پیچیده با ماهیتی اجتماعی - محیطی است که فراتر از یک فضای صرفاً کالبدی عمل می‌کند (Valenzuela-Levi et al., 2022) و از طریق تسهیل ارتباط میان کاربران و محیط، می‌تواند در ارتقای کیفیت تجربه شهری نقش داشته باشد (Noorian & Khesal, 2018).

مکان‌های سوم اغلب بستری برای پیدایش فضاهای شهری منعطف، چندعملکردی و انسان‌محور فراهم می‌کنند و به تحقق مؤلفه‌هایی همچون حس تعلق، هویت شهری، خاطره جمعی و زیست‌پذیری کمک می‌کنند. از این‌رو، توجه به ایجاد و تقویت مکان‌های سوم سازگار با زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی، یکی از ابعاد مهم در برنامه‌ریزی و مدیریت فضای شهری به شمار می‌آید (Kamalizadeh & Mansour, 2018).

از منظر نظری، مکان سوم شهری را می‌توان یکی از گونه‌های مناسب فضاهای عمومی برای استفاده متنوع شهروندان دانست (Fullagar et al., 2019). این فضاها علاوه بر کیفیت‌های کالبدی، واجد سازوکارهای اجتماعی فعالی هستند که در تعامل با مداخله‌های شهری، می‌توانند بر تجربه زیست‌پذیری کاربران تأثیرگذار باشند.

جدول ۱. ابعاد و شاخص‌های مکان سوم، از دیدگاه اولدنبرگ (Oldenburg, 1999)

مؤلفه‌های مکان سوم	ابعاد	توصیف ابعاد تحلیلی مکان سوم
	حضورپذیری داوطلبانه	حضور کاربران در فضا مبتنی بر انتخاب و تمایل شخصی است، نه الزام عملکردی یا عبوری؛ این نوع حضور، از ویژگی‌های مکان سوم است و با الگوهای تعاملات اجتماعی پایدار در فضا همراه می‌شود.
تعامل اجتماعی و حضورپذیری	مکث‌پذیری فضا	فضا امکان توقف، نشستن و ماندن را برای کاربران دارد و تجربه‌ای فراتر از یک مسیر صرفاً عبوری را شکل می‌دهد.
	تکرارپذیری حضور	حضور مکرر کاربران در زمان‌های مختلف، از عوامل مؤثر بر برداشت‌های اجتماعی از جذابیت و سرزندگی فضا به شمار می‌آید.
	تعاملات غیررسمی	ارتباطات اجتماعی بدون برنامه‌ریزی رسمی، شامل گفت‌وگو، مشاهده و تعاملات روزمره در فضا شکل می‌گیرد.
فعالیت‌پذیری و اقتصاد خرد	فعالیت‌های اقتصادی خرد	وجود کسب‌وکارهای کوچک یا خدمات موقت سازگار با مقیاس پیاده‌محور، از الگوهای فعالیت اقتصادی در چنین فضاهایی محسوب می‌شود.
	تنوع فعالیت	تنوع فعالیت‌های خدماتی و تفریحی، با حضور گروه‌های مختلف کاربران در فضا همراه است.
	توزیع زمانی فعالیت	فعالیت‌ها محدود به ساعت‌های خاصی از روز نیستند و معمولاً در زمان‌های مختلف تداوم دارند.
	پیوند فعالیت و حضور	فعالیت‌های اقتصادی به واسطه حضور اجتماعی تقویت می‌شوند و به عکس، که این چرخه به پایداری عملکرد فضا کمک می‌کند.
انعطاف‌پذیری فضایی	چندعملکردی بودن فضا	فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی در فضا معمولاً هم‌زمان تجربه می‌شوند و درک پویایی فضا را بازتاب می‌دهند.
	تطبيق‌پذیری زمانی	الگوی استفاده از فضا در ساعت‌های مختلف شبانه‌روز و ایام هفته تغییرپذیر است.
	قابلیت تغییر کاربری نرم	فضا امکان تغییر کارکردهای موقت، فصلی و غیررسمی را بدون اختلال در ساختار کلی خود دارد.
	پاسخ‌گویی به نیازهای متغیر	فضا می‌تواند در برابر تغییر نیازهای کاربران و شرایط اجتماعی - اقتصادی واکنش نشان دهد.
حس تعلق و تملک اجتماعی	احساس تعلق مکانی	برای بسیاری از کاربران، فضا بخشی از تجربه روزمره است و با معانی عاطفی - شناختی همراه می‌شود.
	تملك اجتماعی غیررسمی	کاربران بدون مالکیت قانونی، احساس مسئولیت و حق استفاده از فضا را تجربه می‌کنند.
	مراقبت غیررسمی	نظارت و نگهداشت فضا از طریق رفتارهای روزمره کاربران انجام می‌شود، نه فقط مدیریت رسم و توجه جمعی نسبت به فضا را بازتاب می‌دهد.
	هویت‌پذیری فضا	فضا دارای ویژگی‌های هویتی قابل شناسایی است و درک آن معمولاً با معنا و تمایز همراه است.

۵.۲. پیاده‌راه به عنوان مکان سوم شهری

پیاده‌راه‌ها با ویژگی‌هایی همچون تداوم فضایی، تنوع عملکردی و قابلیت اتصال میان نقاط شهری، از فضاهایی به شمار می‌آیند که امکان بروز فعالیت‌های جمعی را فراهم می‌کنند (Pakzad, 2007) و بر این اساس، در ادبیات معاصر می‌توان آن‌ها را گونه‌ای از مکان‌های سوم شهری دانست. به خلاف مکان‌های سوم ایستا نظیر میادین یا پارک‌ها، پیاده‌راه‌ها «فضاهایی در حرکت» هستند که در آن‌ها تعاملات اجتماعی در خلال گذر و توقف‌های کوتاه رخ می‌دهد. این خصلت، پیاده‌راه را به فضایی پویا بدل می‌کند که در آن کارکردهای حرکتی (دسترسی و اتصال)، مکثی (توقف‌های غیررسمی) و اقتصادی (فعالیت‌های خرد و خلاق) در کنار یکدیگر تجربه می‌شوند. از منظر عملکردی، نحوه ایجاد و طراحی پیاده‌راه‌ها با الگوهای اقتصاد شهری در ارتباط قرار می‌گیرد؛ زیرا تداوم فعالیت‌های روزمره و خرده‌فروشی‌ها معمولاً با وجود کاربری‌های متنوع و حضورپذیر در ساعت‌های مختلف همراه است. همچنین وجود مغازه‌های تجاری، رستوران‌ها و کافه‌تریاها، به عنوان عناصر زمینه‌ساز جذابیت و تنوع محیطی، در برداشت کاربران از سرزندگی فضا نقش دارند. در نگاه مکان سوم، پیاده‌راه‌ها نه تنها فرصت‌هایی

برای حضور، تعاملات اجتماعی و مشارکت جمعی فراهم می‌کنند، بلکه از طریق تنوع فعالیت‌های فرهنگی، تفریحی و اقتصادی، نمودهایی از سرزندگی شهری را بازتاب می‌دهند (Abedini & Saket, 2021). (Hasanlouei, 2021)

۳. تحلیل تطبیقی تجارب جهانی محورهای پیاده شهری در چارچوب مکان سوم و تاب‌آوری اقتصادی

محورهای پیاده شهری در تجربه‌های معاصر، فراتر از پروژه‌های صرفاً کالبدی، به مثابه زیرساخت‌هایی اجتماعی - اقتصادی با ظرفیت خلق ارزش روزمره در مقیاس اقتصاد خرد عمل می‌کنند. مرور تجارب بین‌المللی نشان می‌دهد سنجش کارآمدی این محورها نه فقط به طراحی فیزیکی وابسته نیست، بلکه به ظرفیت آن‌ها در تسهیل حضور مستمر، تنوع فعالیت‌های روزمره و مشارکت فعال کسب‌وکارهای خرد پیوند می‌خورد. در این چارچوب، رویکرد «مکان سوم» ابزار تبیینی برای فهم این فرایند است، چراکه این مکان‌ها از رهگذر تعاملات اجتماعی، مکث‌های خودجوش و الگوهای روزمره، زمینه‌های بالقوه برای پشتیبانی هم‌زمان از سازوکارهای اجتماعی و اقتصادی مرتبط با تاب‌آوری را فراهم می‌آورند.

بر این‌مبنا، پژوهش حاضر این سازوکارها را به عنوان متغیرهای ظرفیت‌محور در مدل مفهومی خود وارد می‌کند و قابلیت انطباق آن‌ها را با «محور سرزندگی» در منطقه ۲ تهران بررسی می‌کند. برای استخراج مؤلفه‌های مدل، پنج نمونه موفق از تجربیات جهانی مکان سوم که در ادبیات معاصر مورد استناد قرار گرفته‌اند، مرور و تحلیل شدند. درخور یادآوری است که ویژگی‌ها و سازوکارهای ارائه‌شده در جدول ۲ حاصل ترکیب تحلیل منابع موردی و تفسیر پژوهشگر هستند و نقل‌قول مستقیم محسوب نمی‌شوند. جدول ۱ خلاصه‌ای از ویژگی‌های غالب این نمونه‌ها، سازوکارهای بالقوه آن‌ها در پشتیبانی از تاب‌آوری اقتصادی، و نسبت آن‌ها با اجزای مدل مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد.

مطالعات تطبیقی پنج نمونه شاخص جهانی، از جمله کلارک کوی در سنگاپور، استروگت و سوپرکیلن در کپنهاگ، های‌لاین در نیویورک و چئون‌گی‌چئون در سئول، نشان می‌دهند در این نمونه‌ها، چند سازوکار تکرارشونده قابل تشخیص است: پویایی اجتماعی و تنوع فعالیت‌های روزمره، انعطاف‌پذیری عملکردی در پاسخ به تغییرات تقاضا، و الگوهای بهره‌برداری متکی بر مشارکت فعال اقتصاد خرد. ترکیب این سازوکارها در ایجاد پیوندهای بازخوردی میان کیفیت مکان و پایداری فعالیت‌های خرد اقتصادی، امکان مفهوم‌پردازی عملیاتی از تاب‌آوری شهری در سطح محورهای پیاده را فراهم می‌آورد؛ با این تأکید که در این پژوهش، تاب‌آوری اقتصادی در معنای ظرفیت بالقوه و سازوکارهای پشتیبان در مقیاس خرد به کار رفته است، نه سنجش واکنش به شوک‌های واقعی.

ویژگی‌ها و سازوکارهای درج‌شده در جدول حاصل ترکیب تحلیل منابع موردی و تفسیر پژوهشگر هستند و نقل مستقیم از منابع محسوب نمی‌شوند.

جدول ۲. چارچوب تحلیلی تجارب جهانی مکان سوم و سازوکارهای بالقوه تقویت تاب‌آوری اقتصادی در مدل مفهومی پژوهش

نمونه جهانی	ویژگی‌های واقعی و ادبیات‌محور مکان سوم	سازوکارهای بالقوه تقویت تاب‌آوری اقتصادی	ارتباط مستقیم با مدل مفهومی مقاله
The High Line	- مکث‌پذیری و ایجاد بستر تعامل اجتماعی - دسترس‌پذیری عمومی - امکان فعالیت‌های فرهنگی-خلاق (Mullenbach I., 2021)	- تقویت پیوند اقتصاد خلاق با فضاها عمومی - استفاده از فضاها ره‌اشده برای خلق مسیرهای ارزش‌زا - جذب فعالیت‌های خلاق، فرهنگی و گردشگری	- ظرفیت اجتماعی: حضور مستمر، تعاملات اجتماعی - ظرفیت اقتصادی: فعالیت‌های خلاق و اقتصاد خرد - ظرفیت فضایی: کیفیت مکان و مکث‌پذیری
Clarke Quay	- ترکیب فضاها باز عمومی و فضاها خصوصی فعال - تعاملات اجتماعی شبانه‌روزی - ایجاد تجربه زیسته جمعی	- تنوع منابع درآمدی خرد - تقویت مشارکت بخش خصوصی در بهره‌برداری فضاها عمومی - کاهش وابستگی فضاها به بودجه عمومی (Chang, 2000)	- ظرفیت اجتماعی: ارتقای تعاملات و زیست جمعی - ظرفیت اقتصادی: تنوع درآمد خرد - ظرفیت فضایی: ترکیب عملکردی باز-بسته
Superkilen	- توجه به تنوع فرهنگی - هویت جمعی و تعاملات روزمره - فضاها چندمنظوره و مکث‌پذیر	- بهبود زیربستر اقتصاد خرد - پیوند اقتصاد محلی با فرهنگ و خلاقیت - تقویت مشارکت گروه‌های متنوع (Waterman et al., 2021)	- ظرفیت اجتماعی: تقویت هویت جمعی - ظرفیت اقتصادی: اقتصاد خرد و خلاق - ظرفیت فضایی: طراحی انعطاف‌پذیر
Strøget	- حضورپذیری بالا و پیوستگی حرکت - زندگی اجتماعی روزمره - فضای عمومی سلسله‌مراتبی (Gehl, 2010)	- پایداری تقاضای اقتصادی - فعالیت‌های خرد گردشگری و خرید روزمره - خوداتکالی فعالیت‌های خرد	- ظرفیت اجتماعی: حضور مستمر - ظرفیت اقتصادی: تقاضای پایدار - ظرفیت فضایی: پیوستگی حرکت
Cheongye-cheon	- ایجاد پیوستگی حرکتی - حضورپذیری و حیات جمعی - منظر شهری فعال (Cho, M, 2010)	- ارتقای زیست‌پذیری شهری - تقویت گردشگری و اقتصاد محلی - افزایش ارزش املاک و کسب‌وکارهای اطراف	- ظرفیت اجتماعی: حیات جمعی و حضورپذیری - ظرفیت اقتصادی: تقویت گردشگری و ارزش اقتصادی - ظرفیت فضایی: پیوستگی حرکت و منظر

نظری مکان سوم و مفاهیم تاب‌آوری اقتصادی در مقیاس خرد شهری استوار است. مدل مفهومی پژوهش با هدف صورت‌بندی پیوندهای مفهومی میان ویژگی‌های فضایی - رفتاری مکان سوم، سازوکارهای میانجی اجتماعی - اقتصادی و ابعاد مرتبط با تاب‌آوری اقتصادی تدوین شده است.

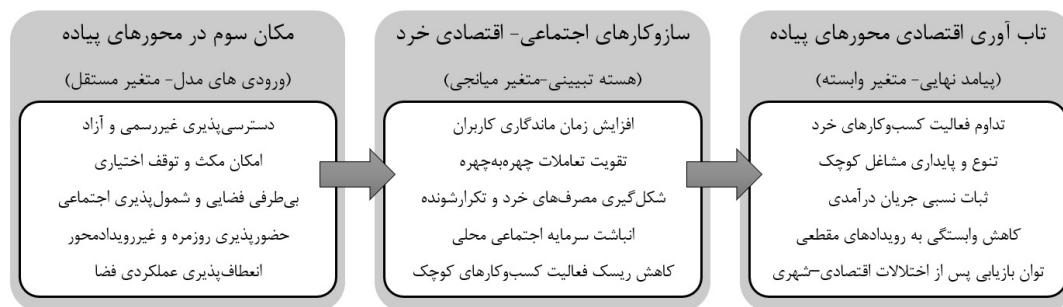
در این چارچوب، ویژگی‌های مکان سوم در محورهای پیاده شهری به عنوان متغیرهای تبیینی در نظر گرفته می‌شوند که از طریق فعال شدن سازوکارهایی نظیر افزایش زمان ماندگاری کاربران، تقویت تعاملات اجتماعی غیررسمی، شکل‌گیری مصرف‌های خرد تکرارشونده و انباشت سرمایه اجتماعی محلی، به فهم بهتر نحوه

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد علی‌رغم تفاوت‌های فضایی و کارکردی نمونه‌های جهانی، سه دسته سازوکار اصلی - پویایی اجتماعی، تنوع و انعطاف عملکردی، و تقویت اقتصاد خرد به صورت مشترک در شکل‌گیری ظرفیت‌های تاب‌آوری اقتصادی نقش داشته‌اند و بنابراین، در مدل مفهومی پژوهش لحاظ شده‌اند.

۴. چارچوب و مدل مفهومی پژوهش

با توجه به ماهیت تبیینی پژوهش و تمرکز آن بر فهم سازوکارهای اجتماعی - اقتصادی مرتبط با تاب‌آوری اقتصادی محورهای پیاده شهری، این مطالعه بر توسعه یک مدل مفهومی مبتنی بر ادبیات

شکل‌گیری الگوهای تاب‌آوری اقتصادی در مقیاس خرد کمک می‌کنند. این الگوها به تداوم فعالیت‌های اقتصادی، تنوع مشاغل، پایداری نسبی جریان‌های درآمدی و ظرفیت بازیابی در برابر نوسانات اقتصادی مرتبط دانسته می‌شوند. مدل مفهومی پژوهش به صورت یک زنجیره تبیینی سه‌سطحی



شکل ۱: چارچوب و مدل مفهومی پژوهش: تبیین نقش ویژگی‌های مکان سوم در تقویت تاب‌آوری اقتصادی محورهای پیاده شهری از طریق سازوکارهای اجتماعی - اقتصادی خرد (اعتبارسنجی شده با پل خبرگان و دلفی تعدیل شده)

برنامه‌ریزان و طراحان شهری (۴ نفر): دارای تجربه در طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای عمومی شهری. اقتصاددانان شهری و کارشناسان توسعه محلی (۳ نفر): متخصص در تحلیل اقتصاد خرد شهری و توسعه اقتصادی محلی. کسبه و مدیران واحدهای اقتصادی مستقر در پیاده‌راه (۳ نفر): آگاه از شرایط عملکردی و چالش‌های اقتصادی روزمره در محور مورد مطالعه. فعالان اجتماعی و ساکنان کلیدی (۲ نفر): مطلع از الگوهای استفاده از فضا، تعاملات اجتماعی و پویایی‌های محلی. در ادامه پس از معرفی مطالعه موردی به روش تحقیق و گام‌های عملیاتی پژوهش پرداخته شده است.

۱.۵. مورد مطالعه: پیاده‌راه مسیر سرزندگی

پیاده‌راه مسیر سرزندگی در منطقه ۲ شهرداری تهران واقع شده است؛ منطقه‌ای که به واسطه ساختار کالبدی نسبتاً برنامه‌ریزی شده، سهم قابل توجه فضاهای سبز شهری و هم‌نشینی کاربری‌های مسکونی، فراغتی و خدماتی، از جایگاهی مهم در نظام فضایی غرب تهران برخوردار است. این محور به عنوان یک کریدور پیاده‌محور خطی، فراتر از یک مسیر عبوری عمل می‌کند و مجموعه‌ای از فضاهای باز شهری، بوستان‌ها و گره‌های فعالیتی را در قالب یک زیرساخت پیوسته برای حرکت، مکث و حضور اجتماعی دربرمی‌گیرد. این پروژه شامل ۴۷ کیلومتر مسیر پیاده‌روی و ۲۶ کیلومتر مسیر ایمن و مجزای دوچرخه و اسکوتر است که به صورت پیوسته و بدون تقاطع با بزرگراه‌ها طراحی شده و چهار بوستان اصلی باغ‌راه فدک (ایران زمین)، بوستان ۱۳ هکتاری، پردیسان و نهج‌البلاغه را در قالب یک کریدور خطی به یکدیگر متصل می‌کند.

۵. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی - توسعه‌ای و از نظر ماهیت، آمیخته با رویکرد تحلیلی - تبیینی است. رویکرد پژوهش بر فهم پیوندهای مفهومی میان ساختار فضایی، الگوهای رفتار روزمره و پویایی‌های اقتصاد خرد در محیط‌های پیاده‌محور شهری متمرکز است. از این‌رو، با توجه به ماهیت سازوکار محور پدیده مورد مطالعه و هدف پژوهش در تبیین چگونگی شکل‌گیری این پیوندها، پژوهش حاضر در پی آزمون فرضیه‌های آماری یا برآورد روابط کمی نیست و بر تحلیل کیفی، اجماع خبرگانی و تبیین مفهومی سازوکارها تمرکز دارد. بر این‌مبنای، با توجه به اینکه مفاهیم «مکان سوم شهری» و «تاب‌آوری اقتصادی در مقیاس اقتصاد خرد» در بستر فضاهای پیاده‌محور شهری ایران فاقد چارچوب‌های سنجش کمی تثبیت‌شده هستند، رویکرد کیفی - تبیینی امکان مناسب‌تری برای شناسایی مؤلفه‌ها و تبیین سازوکارهای مفهومی مرتبط فراهم می‌کند. در این راستا، روش مطالعه موردی انتخاب شد؛ زیرا این روش امکان بررسی هم‌زمان ابعاد کالبدی، اجتماعی و عملکردی محور مورد مطالعه را فراهم می‌آورد و زمینه فهم عمیق‌تر تعامل میان ویژگی‌های فضایی، الگوهای استفاده روزمره از فضا و پویایی‌های اقتصاد خرد را مهیا می‌سازد. مطالعه موردی پیاده‌راه «سرزندگی» در منطقه ۲ شهرداری تهران است. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با پل خبرگان متشکل از ۱۲ نفر از متخصصان گردآوری شده و سازوکارهای استخراج‌شده با بهره‌گیری از روش دلفی تعدیل‌شده مورد ارزیابی و اجماع خبرگانی قرار گرفته است. ترکیب خبرگان پل به شرح زیر در جلسات گروهی مشارکت داشتند:



شکل ۲. موقعیت و ساختار فضایی پیاده‌راه سرزندگی در منطقه ۲ شهرداری تهران و شبکه ورودی‌های آن

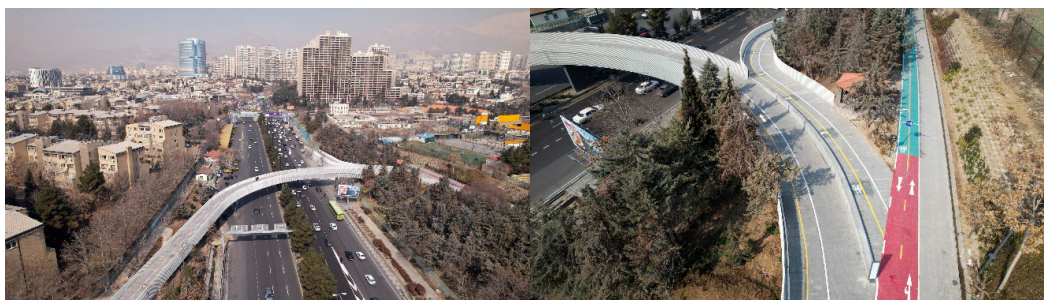
* مقیاس تحلیل پژوهش، سطح خرد شهری و به طور خاص تعاملات اقتصادی-فضایی در محورهای پیاده است؛ بنابراین نتایج در سطح راهبردهای کلان شهری یا اقتصاد منطقه‌ای تعمیم داده نمی‌شود.

فراغتی و حضورهای روزمره فراهم کرده است. این ویژگی‌ها مسیر سرزندگی را به نمونه‌ای مناسب برای مطالعه نقش اقتصاد خلاق و سازوکارهای مرتبط با مکان سوم در محورهای پیاده شهری تبدیل می‌کند.

در امتداد این محور، دو پل شهری «تندرستی» بر فراز بزرگراه‌های شیخ فضل‌الله نوری و شهید همت، پیوستگی فضایی مسیر را در مقیاس فرامحلی تقویت کرده‌اند. ترکیب تداوم کالبدی، سایه‌اندازی بخش‌های گسترده مسیر و وجود زیرساخت دوچرخه‌سواری، زمینه‌ای برای شکل‌گیری جریان‌های پیاده‌محور، فعالیت‌های

جدول ۳. مسیر سرزندگی منطقه ۲ تهران

نام بوستان	باغراه فدک	بوستان ۱۳هکتاری	فاز ۱ نهج‌البلاغه	فاز ۲ نهج‌البلاغه	بوستان پردیسان	پل تندرستی (A)	پل تندرستی (B)	تونل نهج‌البلاغه (C)	طول کل مسیر
طول مسیر دوچرخه (Km)	۴.۲۳	۲.۷۵	۴.۲۲	۵.۱۱	۵.۷۱	۰.۱۸	۰.۳۰	۰.۲۷	۲۲.۷۷
طول مسیر پیاده‌راه (Km)	۴.۰۱	۰.۲۱	۶.۹۸	۷.۱۸	۵.۹۰	۰	۰	۰	۲۴.۲۸

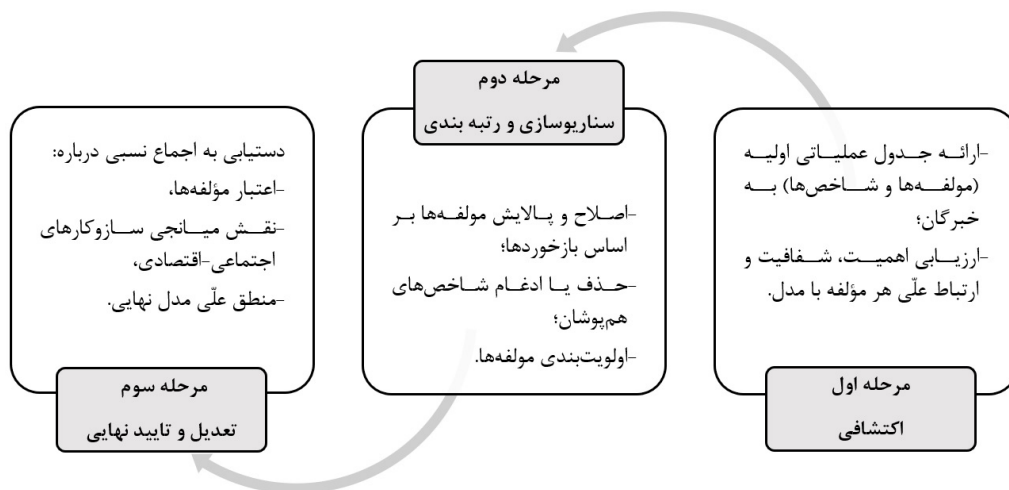


شکل ۳. تصویر هوایی پیاده‌راه سرزندگی منطقه ۲ شهرداری تهران

درباره اهمیت نسبی، هم‌پوشانی، اولویت و قابلیت تبیینی مؤلفه‌ها در ارتباط با مدل مفهومی به کار گرفته شد. رویکرد دلفی در اینجا معطوف به پالایش سازوکارها و ارتقای انسجام نظری مدل است، نه آزمون روابط آماری یا استخراج ضرایب اثرگذاری.

۲.۵. روش دلفی تعدیل‌شده (Modified Delphi Method)

به منظور اعتبارسنجی، پالایش مفهومی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های مدل مفهومی پژوهش، از روش دلفی تعدیل‌شده استفاده شد. در این پژوهش، دلفی نه به عنوان ابزار تولید داده‌های تجربی، بلکه به مثابه یک چارچوب ساخت‌یافته برای دستیابی به اجماع تخصصی



شکل ۴. مراحل اجرای دلفی

نسخه تعدیل‌شده دلفی با تکیه بر چارچوب نظری استخراج‌شده از ادبیات پژوهش آغاز شد و در آن، فهرست اولیه مؤلفه‌ها و شاخص‌ها به صورت پیشینی تدوین و در اختیار پنل خبرگان قرار گرفت. این رویکرد ضمن افزایش تمرکز فرایند دلفی، از پراکندگی مفهومی و طرح شاخص‌های نامرتبط جلوگیری کرد و امکان ارزیابی منسجم‌تری را برای خبرگان فراهم ساخت. خروجی این فرایند مجموعه‌ای از قضاوت‌های تخصصی جمع‌شده

جدول ۴. عملیاتی‌سازی مدل مفهومی پژوهش

متغیر/ مؤلفه	تعریف عملیاتی (در چارچوب پژوهش)	شاخص‌های قابل ارزیابی (برای دلفی)	نقش در دلفی تعدیل‌شده
دسترسی‌پذیری غیررسمی	امکان ورود و حضور در پیاده‌راه بدون نیاز به پرداخت یا طی کردن فرایندهای رسمی	آزادی ورود، نبود کنترل رسمی، امکان استفاده بدون خرید	ارزیابی اهمیت و وزن
امکان مکث و توقف	قابلیت توقف کوتاه یا بلندمدت کاربران بدون ایجاد اختلال در حرکت	فضاهای نشستن، لبه‌های فعال، سایه، خوانایی مکث	اولویت‌بندی
بی‌طرفی فضایی	استفاده‌پذیری فضا برای گروه‌های مختلف اجتماعی بدون طرد	تنوع کاربران، عدم انحصار فعالیت، حس امنیت اجتماعی	اجماع خبرگان
حضورپذیری روزمره	فعال بودن فضا در چرخه روزمره شهروندان (نه صرفاً رویدادی)	استفاده روزانه، تکرار حضور، ساعت‌های فعالیت	تأیید ارتباط مفهومی
انعطاف‌پذیری عملکردی	قابلیت انطباق فضا با فعالیت‌های خرد و خودانگیخته	فعالیت‌های موقت، چندعملکردی بودن، تغییرپذیری	پالایش شاخص‌ها
افزایش زمان ماندگاری	افزایش مدت حضور کاربران در پیاده‌راه	توقف‌های چندمرحله‌ای، مکث‌های هدفمند	وزن‌دهی
تعاملات چهره‌به‌چهره	شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی مستقیم میان کاربران	گفت‌وگو، ملاقات‌های تصادفی، تعامل اجتماعی	اجماع
مصرف خرد تکرارشونده	مصرف‌های کوچک اما مداوم طی زمان	خریدهای کم‌هزینه، تکرار مصرف	اعتبارسنجی
انباشت سرمایه اجتماعی	افزایش اعتماد میان کاربران و کسبه، آشنایی و تعلق محلی	حس تعلق، اعتماد متقابل، شناخت محلی	تأیید مفهومی
کاهش ریسک کسب‌وکار	کاهش نوسان‌پذیری اقتصادی برای فعالیت‌های خرد	ثبات مشتری، پیش‌بینی‌پذیری تقاضا	ارزیابی اهمیت

نقش در دلفی تعدیل شده	شاخص‌های قابل ارزیابی (برای دلفی)	تعریف عملیاتی (در چارچوب پژوهش)	متغیر/ مؤلفه
اجماع نهایی	بقای واحدها، کاهش تعطیلی	ادامه حیات کسب‌وکارهای خرد طی زمان	تداوم فعالیت اقتصادی
اولویت‌بندی	تنوع خدمات و کالا	حضور طیف متنوعی از فعالیت‌های اقتصادی خرد	تنوع مشاغل کوچک
تأیید نهایی	پایداری جریان درآمدی کسب‌وکارها	کاهش نوسان شدید درآمد فعالیت‌های خرد	ثبات نسبی درآمد
پالایش نهایی	فعالیت پایدار غیررویدادی	استقلال اقتصاد فضا از مناسبت‌های مقطعی	کاهش وابستگی به رویداد
تثبیت مدل	بازگشت فعالیت، سازگاری	بازگشت‌پذیری فعالیت‌های اقتصادی پس از شوک‌ها و اختلالات	توان بازیابی اقتصادی

ابعاد تاب‌آوری اقتصادی محور پیاده

۶. یافته‌های پژوهش

در این راستا، پژوهش حاضر ویژگی‌های مکان سوم را به عنوان بستری مفهومی برای فهم بهتر ظرفیت‌های پیاده‌راه در تقویت تاب‌آوری اقتصادی خرد مورد تحلیل قرار داده است. فرایند تحلیل داده‌ها در دو سطح انجام شد:

۱. ارزیابی میزان تحقق مؤلفه‌های مکان سوم در پیاده‌راه مورد مطالعه و سنجش اینکه کدام ویژگی‌ها بیشتر در فضا بروز یافته‌اند.
۲. تحلیل پیوندهای مفهومی میان این ویژگی‌ها و ابعاد تاب‌آوری اقتصادی خرد با اتکا بر سازوکارهای میانجی شناسایی شده در مدل مفهومی.

بر مبنای نتایج فاز نخست دلفی، مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی برای تحلیل وضعیت پیاده‌راه شناسایی شد. در این بخش، شاخص‌هایی که بالاترین سطح اجماع میان خبرگان را کسب کردند، مورد تمرکز قرار گرفته‌اند.

۱.۶. شاخص‌های مکان سوم (محصول اجماع خبرگان در دلفی)

- ۱- تراکم فضاهای نشستن جمعی: نسبت نیمکت‌ها و فضاهای باز غیرتجاری به طول پیاده‌راه.
- ۲- جریان رویدادهای اجتماعی غیررسمی: تعداد رخدادهای خودانگیخته نظیر حضور هنرمندان خیابانی، بازارهای موقت یا گروه‌هایی‌های کوچک در مقیاس ماهانه.
- ۳- هم‌نشینی کاربری‌های مکمل: میزان ادغام کاربری‌های فرهنگی، خدماتی و اجتماعی با فعالیت‌های اصلی خرده‌فروشی، به جای الگوی تفکیک کاربری‌ها و عملکرد.
- ۴- حضور فعال ساکنان: میزان حضور و مشارکت ساکنان محلی در ساعات‌های میانی روز.

۲.۶. ابعاد تاب‌آوری اقتصادی خرد (محصول اجماع خبرگان در دلفی)

- ۱- تنوع جریان درآمدی: پراکندگی منابع درآمدی واحدهای تجاری (حداقل سه منبع متفاوت).
 - ۲- پایداری نیروی کار محلی: درصد کارکنانی که در همان منطقه سکونت دارند و ثبات نسبی اشتغال آنان در واحدهای خرد.
 - ۳- ظرفیت تغییر کاربری: زمان و هزینه مورد نیاز برای تبدیل یک واحد تجاری به فعالیت مکمل جدید به عنوان یکی از ابعاد انعطاف‌پذیری اقتصادی.
- لازم به تأکید است که ارزیابی مؤلفه‌های مکان سوم در این پژوهش، براساس وضعیت موجود پیاده‌راه سرزندگی در مرحله بهره‌برداری اولیه انجام شده است؛ مرحله‌ای که معمولاً با سطح آگاهی محدود

پیاده‌راه‌های شهری ماهیتی فرایندی دارند و مجموعه هزینه‌های مرتبط با آن‌ها فقط به مرحله اجرا محدود نمی‌شود. از این‌رو، تحلیل اقتصادی چنین پروژه‌هایی نیازمند تمایزگذاری میان هزینه‌های سرمایه‌گذاری اولیه و هزینه‌های نگهداشت و بهره‌برداری در دوره بهره‌برداری است.

۱. هزینه‌های سرمایه‌گذاری اولیه: این دسته از هزینه‌ها مرتبط با مرحله ایجاد و راه‌اندازی پروژه است و عمدتاً در قالب مصارف یک‌باره تعریف می‌شود، از جمله:

- طراحی و ساخت: شامل مطالعات طراحی شهری، طراحی منظر، اجرای فضاهای حرکتی و مکث، و تطبیق پروژه با شرایط کالبدی موجود.
- زیرساخت‌های شهری: اصلاح یا جابه‌جایی تأسیسات زیرسطحی، ساماندهی زهکشی، تأمین برق و سایر زیرساخت‌های خدماتی مورد نیاز فعالیت‌های آتی.

- تجهیزات و عناصر کالبدی: مبلمان شهری، نورپردازی، کف‌سازی، عناصر هویتی و سایر تجهیزاتی که کیفیت فضایی اولیه پیاده‌راه را شکل می‌دهند.

این بخش از هزینه‌ها معمولاً در چارچوب بودجه‌های سرمایه‌ای تعریف می‌شود و گاهی این تصور را پدید می‌آورد که با اتمام آن‌ها «پروژه به پایان رسیده است»، حال آنکه حیات فضا پس از اجرا آغاز می‌شود.

۲. هزینه‌های نگهداشت و بهره‌برداری سالانه: در مرحله بهره‌برداری، محورهای پیاده‌راهی با هزینه‌های مستمری روبه‌رو هستند که بیشتر به استمرار استفاده، حضورپذیری و پویایی اجتماعی فضا وابسته‌اند. این هزینه‌ها معمولاً شامل:

- نظافت و خدمات شهری: پاکیزگی روزمره، جمع‌آوری پسماند، نگهداشت تجهیزات.

- تعمیر و بازسازی: ترمیم کف‌سازی، بازپیرایی مبلمان، نورپردازی و جبران فرسودگی ناشی از استفاده مستمر.

- مدیریت و کنترل اجتماعی: حضور نیروهای میدانی، ساماندهی فعالیت‌ها و پیشگیری از بروز تعارض‌های فضایی.

- برنامه‌ریزی رویدادها: اقداماتی که به فعال ماندن فضا و تداوم حضورپذیری کمک می‌کنند، از جمله رویدادهای اجتماعی، فرهنگی یا اقتصادی.

با توجه به ماهیت مستمر هزینه‌های بهره‌برداری، بخشی از پایداری عملکردی پیاده‌راه‌ها به وجود سازوکارهای اقتصادی درون‌زا در فضا مرتبط دانسته می‌شود؛ سازوکارهایی که می‌توانند به شکل‌گیری جریان‌های خرد اقتصادی، افزایش حضور کاربران و استمرار فعالیت‌های روزمره کمک کنند.

کاربران نسبت به ظرفیت‌ها، برنامه‌ها و کارکردهای اجتماعی - اقتصادی فضا همراه بوده است. این وضعیت موجب شده الگوهای حضور عمدتاً به حضورهای روزمره، عبوری یا خودجوش محدود شود و بسیاری از مؤلفه‌های ساختاری مکان سوم، از جمله هم‌نشینی کاربری‌های مکمل و رویدادمحوری برنامه‌ریزی شده، هنوز به سطح

تثبیت شده نرسند. از این رو، نمرات ارائه شده در جدول، بازتاب‌دهنده وضعیت تحقق مؤلفه‌ها در شرایط کم‌آگاهی و مرحله گذار بوده و نباید به عنوان بیانگر وضعیت نهایی یا بلوغ کامل پیاده‌راه تفسیر شوند.

جدول ۵. ارزیابی تحقق مؤلفه‌های مکان سوم در پیاده‌راه سرزندگی (فاز دوم دلفی) مقیاس میانگین نمره دهی: ۱= بسیار ضعیف و ۵= بسیار قوی

تفسیر وضعیت تحقق	میانگین نمره (از ۵)	شاخص‌های مکان سوم
متوسط رو به ضعیف؛ کمبود فضاهای طراحی شده برای توقف طولانی‌مدت و تعامل اجتماعی پایدار.	۲.۸	تراکم فضاهای نشست جمعی
نسبتاً قوی؛ وجود فعالیت‌های خودجوش هنری و اجتماعی، اما فاقد سازمان‌دهی نهادی و تداوم برنامه‌محور.	۳.۹	بسامد و تداوم رویدادهای اجتماعی غیررسمی
متوسط؛ حضور محدود مراکز فرهنگی و خدماتی کوچک، در حالی که غلبه با خرده‌فروشی‌های تک‌کارکردی است.	۳.۲	هم‌نشینی کاربری‌های مکمل
قوی؛ به دلیل ماهیت مسکونی-اداری پیرامون محور، حضور روزمره و تکرارشونده ساکنان در ساعت‌های میانی روز قابل توجه است.	۴.۱	حضور فعال و منظم ساکنان

سوم بر ابعاد تاب‌آوری اقتصادی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد:

- جریان رویدادهای اجتماعی غیررسمی بالاترین میزان وزن‌گیری را در رابطه با شاخص «تنوع جریان درآمدی» (RSD) دارد. این امر بیانگر این است که از نگاه خبرگان، حضور رویدادهای کوچک و فعالیت‌های انعطاف‌پذیر می‌تواند زمینه تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی خرد را فراهم آورد.

- حضور فعال و منظم ساکنان بیشترین وزن را در ارتباط با شاخص «پایداری و ماندگاری نیروی کار محلی» (LLR) به دست آورده است؛ زیرا الگوهای حضور پایدار می‌توانند ظرفیت ایجاد ثبات نسبی در فعالیت‌های خرد را تقویت کنند.

- هم‌نشینی کاربری‌های مکمل بالاترین وزن را در ارتباط با «توان تطبیق و تغییر کاربری» (AI) دارد که با ماهیت مفهومی این شاخص هم‌خوان است؛ ادغام عملکردها امکان سازگاری فعالیت‌های خرد را بیشتر قابل تصور می‌کند.

وزن‌دهی‌ها نشان می‌دهد شاخص‌های رفتاری مکان سوم (جریان رویدادها و حضور ساکنان) بیشترین هم‌پوشانی را با ابعاد تاب‌آوری اقتصادی خرد دارند. در مقابل، شاخص‌های کالبدی - عملکردی مانند تراکم نشست و هم‌نشینی کاربری‌ها معمولاً در مراحل بعدی بلوغ فضا نمود بیشتری پیدا می‌کنند.

نکته مهم این است که این وزن‌ها به معنای رابطه علی نیستند؛ بلکه بیانگر درجه هم‌پوشانی ادراکی و مفهومی هستند که در فرایند دلفی تثبیت شده‌اند.

بر اساس نتایج فاز دوم دلفی، میانگین نمرات چهار مؤلفه مکان سوم نشان می‌دهد ویژگی‌های رفتاری - اجتماعی مانند حضور فعال ساکنان وضعیت قابل توجه‌تری نسبت به مؤلفه‌های ساختاری دارند. به طور مشخص، «تراکم فضاهای نشست جمعی» و «هم‌نشینی کاربری‌های مکمل» نمرات پایین‌تری کسب کرده‌اند که می‌تواند بیانگر مرحله ابتدایی شکل‌گیری ساختارهای فیزیکی و عملکردی پیاده‌راه در دوره بهره‌برداری اولیه باشد.

در مقابل، دو مؤلفه «جریان رویدادهای اجتماعی غیررسمی» و «حضور فعال و منظم ساکنان» میانگین نمرات بالاتری دریافت کرده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد رفتارهای اجتماعی خودجوش و الگوهای حضور روزمره ساکنان در این مرحله از شکل‌گیری فضا، بیش از عناصر کالبدی یا کارکردی تثبیت شده‌اند.

به صورت کلی، الگوی نمرات نشان می‌دهد پیاده‌راه در مرحله بهره‌برداری کنونی در مؤلفه‌های رفتاری نسبت به مؤلفه‌های ساختاری وضعیت بروز بیشتری دارد. از این رو، «ویژگی‌های کارکردی مکمل» مانند ادغام کاربری‌ها و تراکم فضاهای نشست هنوز در حال شکل‌گیری‌اند، در حالی که الگوهای حضور و تعامل غیررسمی زودتر نمود یافته‌اند.

این الگو با ماهیت مرحله «گذار» در پروژه‌های بازآفرینی پیاده‌محور مطابقت دارد و نشان‌دهنده وضعیت جاری فضا، نه وضعیت نهایی یا بلوغ عملکردی آن است.

در فاز دوم دلفی، وزن‌دهی شاخص‌ها بر پایه قضاوت خبرگان درباره میزان ارتباط مفهومی و ظرفیت اثرگذاری بالقوه ویژگی‌های مکان

جدول ۶. وزن تأثیرگذاری شاخص‌های مکان سوم بر ابعاد تاب‌آوری اقتصادی پیاده‌راه

شاخص‌های مکان سوم (متغیر مستقل)	تأثیر بر RSD	تأثیر بر LLR	تأثیر بر AI
تراکم فضاهای نشست جمعی	۰.۲۱	۰.۱۵	۰.۳۸
جریان رویدادهای اجتماعی غیررسمی	۰.۴۵	۰.۳۵	۰.۲۹
هم‌نشینی کاربری‌های مکمل	۰.۵۱	۰.۴۲	۰.۳۳
حضور فعال و منظم ساکنان	۰.۳۳	۰.۲۸	۰.۱۸

RSD: تنوع جریان‌های درآمدی (Revenue Stream Diversity) - LLR: پایداری و ماندگاری نیروی کار محلی (Local Labor Retention)
AI: ظرفیت تطبیق و تغییر کاربری (Adaptability Index)

تحلیل ماتریس وزن‌دهی شاخص‌ها نشان می‌دهد هر یک از ابعاد تاب‌آوری اقتصادی خرد، با نوع خاصی از کیفیت‌های فضایی - اجتماعی مکان سوم نسبت نزدیکی بیشتری یافته است؛ نسبتی که نه از جنس رابطه‌ی علی، بلکه در سطح قرابت مفهومی و هم‌نشینی درک‌شده توسط خبرگان قابل شناسایی است.

در بعد «تنوع جریان درآمدی»، بیشترین وزن (۰/۵۱) به «هم‌نشینی کاربری‌های مکمل» اختصاص دارد. این یافته بیانگر آن است که در میان عناصر سنجیده‌شده، تنوع عملکردی در سطح کاربری‌ها بیشترین هم‌ترازی را با پراکندگی و چندمنبعی بودن درآمد خرد پیدا کرده است. به این ترتیب، ساختار چندکارکردی فضا در نظر خبرگان بیش از سایر مؤلفه‌ها با مفهوم تنوع‌بخشی اقتصادی هم‌قرینه تلقی شده است.

در بعد «توان تطبیق و تغییر کاربری»، بیشترین ضریب (۰/۳۸) به «تراکم فضاهای نشستن جمعی» تعلق دارد. جایگاه این مؤلفه نشان می‌دهد عناصر کالبدی مرتبط با مکث و توقف، در ادراک خبرگان، نقش برجسته‌تری در انعطاف‌پذیری فعالیت‌های خرد شهری داشته‌اند. بنابراین، ابعاد کالبدی که حضور قابل تداوم کاربران را امکان‌پذیرتر می‌سازند، نسبت معنایی بیشتری با قابلیت دگرگونی فعالیت‌ها پیدا کرده‌اند.

در بعد «پایداری و ماندگاری نیروی کار محلی»، بیشترین وزن (۰/۳۵) برای «جریان رویدادهای اجتماعی غیررسمی» ثبت شده است. این الگو نشان می‌دهد پویایی فعالیت‌های اجتماعی خودجوش، در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها، با مفهوم ثبات نسبی اشتغال خرد هم‌نشینی بیشتری داشته است. از این‌رو، تداوم کنش‌های اجتماعی غیررسمی در این ماتریس به عنوان نزدیک‌ترین مؤلفه به تداوم فعالیت نیروی کار محلی ارزیابی شده است.

در مجموع، الگوی ضرایب نشان می‌دهد سه بعد تاب‌آوری اقتصادی خرد، هر کدام با نوعی از کیفیت‌های فضایی - اجتماعی پیاده‌راه به عنوان مکان سوم بیشترین هم‌ترازی را برقرار کرده‌اند. این هم‌ترازی‌ها از یک الگوی واحد تبعیت نمی‌کنند، بلکه ساختاری تفکیک‌شده و چندلایه دارند:

- تنوع کاربری‌ها با تنوع درآمدی

- فضاهای مکث با انعطاف کارکردی

- رویدادهای اجتماعی با ماندگاری نیروی کار

به این ترتیب، داده‌ها نشان می‌دهند ابعاد مختلف تاب‌آوری اقتصادی خرد، به‌جای آنکه حول یک مؤلفه مرکزی سازمان یابند، در طول محور پیاده‌راه از طریق مجموعه‌ای از کیفیت‌های متفاوت مکان سوم قابل تبیین‌اند؛ مجموعه‌ای که هر بخش از آن با بُعدی مشخص از تاب‌آوری اقتصادی هم‌خوانی بیشتری پیدا کرده است.

۷. بحث و تفسیر

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد در متن پیاده‌راه سرزندگی، الگوهای حضور روزمره و تعاملات اجتماعی غیررسمی، مجموعه‌ای از کیفیت‌ها را پدید آورده‌اند که با ویژگی‌های شناخته‌شده مکان سوم هم‌پوشانی مفهومی دارند. اگرچه بخش‌هایی از پیاده‌راه همچنان در مرحله شکل‌گیری بوده و از نظر کالبدی و نهادی در وضعیت گذار قرار دارند، اما فرایندهای استفاده روزمره فضا نشانه‌هایی از شکل‌گیری تدریجی بسترهای مرتبط با مکان سوم را آشکار می‌سازند.

بررسی سازوکارهای میانجی نشان می‌دهد مکان سوم، از طریق

فراهم کردن امکان حضورهای متنوع و غیرهم‌زمان کاربران، کیفیتی متفاوت از فضاهای صرفاً تجاری ایجاد می‌کند. در چنین فضایی، الگوی حضور به ساعت‌های اوج خرید محدود نمی‌شود و فعالیت‌های غیرانتفاعی همچون مکث، مشاهده، گفت‌وگو یا مشارکت در رویدادهای خودجوش، درک متفاوتی از جریان استفاده‌پذیری روزانه ایجاد می‌کنند. این گسترش زمانی و رفتاری، در تحلیل خبرگان، با دوام فعالیت اقتصادی خرد و تنوع‌پذیری شیوه‌های بهره‌برداری از فضا هم‌راستایی بیشتری پیدا کرده است.

در نمونه‌هایی مانند کافه‌ها یا فضاهای مکث واقع در پیاده‌راه، استفاده کاربران تنها به مصرف اولیه وابسته نیست، بلکه تجربه حضور، تعامل و شکل‌گیری نوعی رابطه اجتماعی - فضایی، نقش مؤثری در استمرار مراجعه و استفاده دارد. این الگوها در تحلیل پژوهش، به عنوان سازوکارهایی شناسایی شده‌اند که ابعاد تاب‌آوری اقتصادی خرد را از طریق هم‌نشینی با کیفیت‌های مکان سوم قابل تبیین می‌سازند.

۸. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی کیفی - تبیینی و بهره‌گیری از روش دلفی تعدیل‌شده، تلاش کرد پیوندهای مفهومی میان کیفیت‌های «مکان سوم شهری» و ظرفیت‌های «تاب‌آوری اقتصادی» در مقیاس اقتصاد خرد محورهای پیاده را تبیین کند. تحلیل دیدگاه‌های خبرگان نشان داد برخی از ویژگی‌های تجربه‌محور فضاهای شهری از جمله امکان شکل‌گیری تعاملات اجتماعی غیررسمی، تسهیل مکث و حضور داوطلبانه در فضا، و قابلیت استفاده غیرهم‌زمان از محیط، بیشترین هم‌ترازی مفهومی را با ابعادی از تاب‌آوری اقتصادی خرد نظیر تنوع‌پذیری فعالیت‌ها، انعطاف‌پذیری کارکردی فضا و ماندگاری نسبی فعالیت‌های محلی دارند.

در چارچوب تحلیلی پژوهش، این هم‌ترازی‌ها نه به عنوان روابط علی مستقیم، بلکه به عنوان ظرفیت‌هایی بالقوه برای فهم پویایی‌های اقتصادی فضاهای عمومی پیاده‌محور تفسیر شده‌اند. به بیان دیگر، نتایج نشان می‌دهد کیفیت‌های مرتبط با مکان سوم می‌توانند از طریق تقویت الگوهای حضور اجتماعی، گسترش دامنه تعاملات روزمره و فراهم آوردن بسترهای متنوع استفاده از فضا، زمینه‌هایی را برای شکل‌گیری و تداوم فعالیت‌های خرد اقتصادی در محورهای پیاده فراهم کنند.

بر این اساس، پژوهش حاضر با ارائه یک چارچوب مفهومی اولویت‌بندی‌شده، کوشیده است سازوکارهای پیوند میان ویژگی‌های مکان سوم و ظرفیت‌های تاب‌آوری اقتصادی در مقیاس محورهای پیاده شهری را صورت‌بندی کند. این چارچوب می‌تواند به عنوان عدسی تحلیلی برای درک بهتر رابطه میان کیفیت‌های تجربه‌محور فضاهای عمومی و پویایی‌های اقتصادی خرد در محیط‌های پیاده‌محور مورد استفاده قرار گیرد.

از منظر برنامه‌ریزی و مدیریت شهری نیز نتایج پژوهش نشان می‌دهد توجه به لایه‌های اجتماعی و تجربه‌محور فضا از جمله امکان مکث، تعامل غیررسمی و شکل‌گیری رویدادهای روزمره می‌تواند درک دقیق‌تری از سازوکارهای پایداری عملکردی محورهای پیاده فراهم آورد. در این چارچوب، طراحی و مدیریت این فضاها زمانی می‌تواند به پویایی اجتماعی - اقتصادی پایدار نزدیک شود که فراتر از مداخلات صرفاً کالبدی، به تقویت کیفیت‌هایی بپردازد که

امکان شکل‌گیری تجربه‌های جمعی، حضور داوطلبانه و تنوع فعالیت‌ها را طی زمان فراهم می‌کنند.

۱.۸. راهبردهای تحلیلی برای فعال‌سازی ظرفیت‌های مکان سوم

با توجه به سازوکارهای میانجی‌شناسایی شده در مدل مفهومی، مجموعه مداخلات پیشنهادی می‌تواند در قالب سه راهبرد تحلیلی کلان صورت‌بندی شود. هدف این راهبردها نه ارائه نسخه اجرایی، بلکه تبیین ظرفیت‌های بالقوه فضا برای فعال‌سازی مکان سوم در راستای ارتقای تاب‌آوری اقتصادی است.

۱. راهبرد فعال‌سازی اقتصاد تجربه: این راهبرد با سازوکار «مصرف تجربه‌ای» و «افزایش مدت حضور» در مدل مفهومی هم‌راستا است. مداخلاتی مانند بازارچه‌های موقت تجربه‌محور، مسیرهای غذایی موضوعی و کارگاه‌های آموزشی کوتاه‌مدت می‌توانند امکان ترکیب خرید، تعامل و تجربه را فراهم آورند. این فعالیت‌ها ظرفیت تبدیل مصرف صرف به تجربه زیسته را افزایش می‌دهند و پتانسیل شکل‌گیری جریان‌های خرد اقتصادی متنوع را مهیا می‌کنند.

۲. راهبرد تقویت چرخه حضور زمانی در فضا: این راهبرد به سازوکارهای مرتبط با «بسامد حضور» و «تنوع زمانی استفاده از فضا» اشاره دارد. برگزاری رویدادهای فرهنگی در ساعات غیرپیک، ایجاد فضاهای کار موقت (Coworking) و استقرار ایستگاه‌های مکث و تمرکز، می‌توانند امکان استفاده از فضا را در طیف گسترده‌تری از ساعات شبانه‌روز فراهم سازند. چنین فعالیت‌هایی ظرفیت کاهش وابستگی اقتصاد پیاده‌راه به زمان‌های اوج و توزیع یکنواخت‌تر تقاضای فضای را ایجاد می‌کنند.

۳. راهبرد تقویت تعامل اجتماعی و مشارکت محلی: این راهبرد با سازوکار «تعاملات اجتماعی مکرر» و «انسجام شبکه اجتماعی - اقتصادی» هم‌بسته است. مداخلاتی نظیر جشنواره‌های مشارکتی کسبه، بازی‌های شهری تعاملی، لیگ‌های خرد ورزشی یا فعالیت‌های کشاورزی شهری مشارکتی می‌توانند زمینه تکرار حضور، تقویت حس تعلق و گسترش روابط اجتماعی را فراهم آورند؛ مؤلفه‌هایی که در مدل به عنوان پیش‌ران تاب‌آوری اقتصادی شناسایی شده‌اند.

در مجموع، این سه راهبرد نشان می‌دهند فعال‌سازی ظرفیت‌های مکان سوم در پیاده‌راه‌ها از طریق تقویت سازوکارهای تجربه‌محور، زمانی و تعاملی امکان‌پذیر است؛ بدون آنکه این مداخلات به عنوان برنامه‌های اجرایی قطعی تفسیر شوند.

۲.۸. پیشنهادها سیاستی و مدیریتی برای تقویت تاب‌آوری اقتصادی

بر اساس یافته‌های تبیینی پژوهش، تقویت تاب‌آوری اقتصادی پیاده‌راه سرزندگی مستلزم اتخاذ مجموعه‌ای از سیاست‌های چندلایه و هم‌افزا است که به طور هم‌زمان ابعاد کالبدی - فضایی، اقتصادی - عملکردی و اجتماعی - نهادی را پوشش دهند. تجربه موردی نشان می‌دهد رویکردهای تک‌بعدی (صرفاً کالبدی یا صرفاً اقتصادی)، در عمل با محدودیت‌های جدی مواجه‌اند و در مقایسه با رویکردهایی که در چارچوب منطق مکان سوم و با تمرکز بر تداوم حضور، تنوع فعالیت و حمایت از شبکه‌های اجتماعی - اقتصادی محلی طراحی

می‌شوند، ظرفیت کمتری برای پشتیبانی از تاب‌آوری اقتصادی خرد فراهم می‌کنند.

الف) سیاست‌گذاری کالبدی - فضایی (تأکید بر تسهیل توقف و حضور طولانی‌مدت)

۱. تراکم‌بخشی به فضاهای نشست‌نشین: شهرداری باید فضاهای نشست‌نشین جمعی را نه به عنوان عنصری تزئینی، بلکه به عنوان زیرساخت اقتصادی در نظر گیرد. باید نسبت نیمکت‌ها، استراحت‌گاه‌ها، و تریبون‌های کوچک به ازای هر متر طول پیاده‌راه افزایش یابد تا قابلیت پذیرش حضور طولانی‌مدت (مؤلفه‌های اولدنبِریگ) تضمین شود.

۲. تسهیل کاربری‌های موقت و سیال: بازنگری در مقررات صدور مجوز برای غرفه‌های موقت، کافه‌های سیار کوچک و فعالیت‌های فرهنگی سبک، به گونه‌ای که انعطاف‌پذیری بیشتری برای استقرار و جابه‌جایی این فعالیت‌ها فراهم شود، می‌تواند زمینه‌ای برای فعال‌شدن سریع‌تر کاربری‌ها در دوره‌های کم‌تقاضا یا فصلی ایجاد کند. چنین ترتیباتی، ظرفیت فضا را برای واکنش‌پذیری نسبت به نوسانات تقاضا افزایش می‌دهد.

ب) سیاست‌گذاری اقتصادی - عملکردی (تأکید بر تنوع‌بخشی فعالیت‌ها و جریان‌ها)

۱. تخصیص فضاهای مکمل: اختصاص بخش‌هایی از طول پیاده‌راه (مثلاً در هر حدود ۲۰۰ متر) به کارکردهایی غیرتجاری مانند ایستگاه‌های کتاب محلی، فضاهای نمایش آثار هنری یا دفاتر کوچک انجمن‌های محلی، می‌تواند هم‌نشینی عملکردی متنوع‌تری ایجاد کند. این نوع چیدمان، امکان ظهور ترکیب‌های متنوع‌تری از جریان‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را در مقاطع مختلف پیاده‌راه فراهم می‌آورد.

۲. ایجاد پلتفرم اطلاع‌رسانی مشترک بین کسبه: راه‌اندازی یک پلتفرم دیجیتال مشترک میان کسبه و بهره‌برداران پیاده‌راه، برای تبادل اطلاعات مربوط به تغییرات تقاضا، معرفی کسب‌وکارهای مکمل و هماهنگی رویدادها، می‌تواند شفافیت بیشتری در الگوی جریان‌های درآمدی خرد ایجاد کند. چنین سامانه‌ای ظرفیت هم‌افزایی بین فعالیت‌های اقتصادی خرد و تقویت شبکه ارتباطی بین کسبه را افزایش می‌دهد.

ج) سیاست‌گذاری اجتماعی - نهادی (تأکید بر پایداری نیروی کار و شبکه‌های محلی)

۱. حمایت از میزبانی رویدادهای کوچک و خودسازمان‌یافته: شهرداری می‌تواند به جای برگزاری رویدادهای بزرگ و پرهزینه، از طریق اختصاص بودجه‌های حمایتی اندک (Micro-Grants)، کسبه و ساکنان را تشویق به میزبانی رویدادهای هفتگی خودجوش و کوچک کند. این نوع حمایت، ظرفیت پیاده‌راه را برای شکل‌گیری جریان مستمر رویدادهای غیررسمی و تداوم فعالیت‌های جمعی تقویت می‌کند.

۲. تقویت حضور نیروی کار محلی: طراحی مشوق‌های مالی یا مالیاتی در مقیاس خرد برای واحدهایی که بخشی از نیروی کار خود را از ساکنان بومی منطقه تأمین می‌کنند، می‌تواند به حفظ ارتباط شغلی - محلی و تقویت سرمایه اجتماعی در سطح محور کمک کند. چنین سیاستی، امکان تثبیت نسبی نیروی کار محلی و ارتقای حس تعلق به فضا را افزایش می‌دهد.

Lorente-Riverola, I. (2019). Rethinking third places. Informal public spaces and community building: edited by Joanne Dolley and Caryl Bosman, Cheltenham (UK), Edward Elgar Publishing, 2019, xvi + 224 pp., £22/\$31 (ebk), ISBN 978-1-78643-391-6/£90 (hardback), ISBN 978-1-78643-390-9. *Urban Research & Practice*, 12(4), 507–508. <https://doi.org/10.1080/17535069.2019.1670411>

In Dolley, J. & Bosnan, C. (Eds). *Rethinking third places: informal public spaces and community building*, Cheltenham, UK: Edward Elgar. <https://doi.org/10.4337/9781786433916.00010>

Modiri, A. & Davoodi, E. (2017). A Study on the Role of Third Places in Zanjan's Social Life in the Period between Constitutional Revolution and Islamic Revolution, Case Study: Sabzeh Meydan District of Zanjan, Iran. *Human Geography Research*, 49(3), 553–570. <https://doi.org/10.22059/jhgr.2016.56782> [In Persian]

Mullenbach, L. E., Mowen, A. J., & Brasier, K. J. (2021). Urban parks, the growth machine, and the media: An analysis of press coverage of the high line, klyde warren park, and the rail park. *Environmental Sociology*, 7(4), 407–420. <https://doi.org/10.1080/23251042.2021.1893429>

Nejad Ebrahimi, A., Mirgholami, M., Nahidi Azar, A., & Mokhtari, E. (2025). A study on local creative economy to identify types of intervention in the historical area of the local creative economy to identify types of intervention in the historical area of the Blue Mosque in Tabriz City. *Urban Economics*, 10(1), 53–76. <https://doi.org/10.22108/ue.2025.142934.1298> [In Persian]

Noorian, F., & Aryan Khesal, F. (2018). "Development of Site Selection Criteria for Urban Spaces Appropriate for Festivals, Carnivals and Outdoor Performances ". *Armanshahr Architecture & Urban Development*, Vol. 11, No23No. 23. https://www.armanshahrjournal.com/article_69818_en.html . [In Persian]

Oldenburg, R. (1999). *The great good place: Cafes, coffee shops, bookstores, bars, hair salons, and other hangouts at the heart of a community*. Da Capo Press.

Pakzad, J. (2007). *Articles on Urban Design*, Tehran, Shahidi Publications. [In Persian]

Rezaei, M. R. (2013). Evaluating the economic and institutional resilience of urban communities to natural disasters using the PROMETHE technique. *Emergency Management*, 2(1), 27-38. <https://doi.org/20.1001.1.23453915.1392.2.1.3.7> [In Persian]

Sheikhi, H., & Rezaei, M. (2017). Evaluating environmental quality of walking- based urban spaces and social responding (case study: Ferdowsi Street of Ilam). *Journal of Research and Urban Planning*, 8(29), 83–98. <https://doi.org/20.1001.1.22285229.1396.8.29.5.9> [In Persian]

Valenzuela-Levi, N., Fuentes, L., Ramírez, M. I., Rodríguez, S., & Señoret, A. (2022). Urban sustainability and perceived satisfaction in neoliberal cities. *Cities*, 126, 103647. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103647>

Waterman, T., Wolff, J., & Wall, E. (Eds.). (2021). *Landscape citizenships* (1st ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003037163>

Whyte, W. H. (1980). *The social life of small urban spaces* (Vol. 116). Washington, DC: Conservation Foundation. Whyte, W.H. (1980). *The Social Life of Small Urban Spaces*, New York: Conservation Foundation.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان به یک اندازه در اجرای پژوهش و تدوین مقاله مشارکت داشته‌اند.

تشکر و قدردانی

از همراهی کلیه مشارکت‌کنندگان پژوهش و همکاران شهرداری منطقه ۲ تهران سپاسگزاریم.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود ندارد.

منابع

Abdelfattah, L., Bazzoni, F., & Choubassi, R. (2021). The redemptive potential of the street. *a multi-angular analysis of Dubai's pedestrian infrastructure*, *The Journal of Public Space*, 6(1), 67–94. <https://doi.org/10.32891/jps.v6i1.1326>

Abedini, A. & Saket Hasanlouei, M. (2021). Urban third places; scene of creating social and recreational society hangouts in the community, case study: scene of creating social and recreational society hangouts in the community, case study: a comparative study of cafes in regions 1 and 4 of Urmia City. *Urban Planning Knowledge*, 5(2), 153–170. <https://doi.org/10.22124/upk.2020.16926.1505> [In Persian]

Arzamani, M., Vatanparast, M., & Motamedi, M. (2020). Analysis of Urban Regeneration in terms of Physical Dimension: Case Study: Bojnourd City. *Sustainable city*, 3(2), 93–104. <https://doi.org/10.22034/jsc.2020.223060.1220> [In Persian]

Bo Wang, Becky P.Y. Loo, Feng Zhen, Guangliang Xi(2020). Urban resilience from the lens of social media data: Responses to urban flooding in Nanjing, China, *Cities*, Volume 106,2020, ISSN 0264-2751. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102884>

Chang, T. C. (2000). Singapore's Little India: a tourist attraction as a contested landscape. *Urban Studies*, 37(2), 343–366. <https://doi.org/10.1080/0042098002221> (Original work published 2000)

Fullagar, S., O'Brien, W., & Lloyd, K. (2019). *Feminist perspectives on third places*. In *Rethinking third places* (pp. 20–37). Edward Elgar Publishing. Fullagar, S., O'Brien, W., & Lloyd, K. (2019). *Feminist Perspectives on Third Places*.

Gehl, J. (2013). *Cities for people*. Island Press. <https://islandpress.org/books/cities-people>

Golkar, K. (2011). Creating sustainable place: reflections on urban design theory. *Uni Shahid Beheshti Publ*, 112–46. <https://library.aui.ac.ir/dL/search/default.aspx?Term=20454&Field=0&DTC=100> [In Persian]

Kamalizadeh, M., Yeganeh, M. (2018). Territorial behaviors and integration between buildings and city in urban public spaces of Iran's metropolises, *Journal of Frontiers of Architectural Research*, Volume 7, Pages 588–599. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2018.06.004> [In Persian]

Kanooni, R., Esmaeilzadeh, H., Seifi, L., & Bandani, S. (2016). Strategic planning for urban traffic management, with emphasis on the development of Pedestrian Street (Case study: the central part of the city of Ardabil). *rahvar*, 1394(32), 107-140. <https://magiran.com/p2106257> [In Persian]

